

راهبرد رژیم صهیونیستی در بلندی‌های جولان و رویکرد جریان مقاومت

طیبه محمدی کیا (نویسنده مسئول)^۱
علی شاکر^۲

چکیده

پژوهش به چرایی اصرار رژیم صهیونیستی و چستی استراتژی آن در بلندی‌های جولان می‌پردازد. هدف پژوهش توضیح چرایی حضور رژیم صهیونیستی در جولان و رویکرد بیداری اسلامی نسبت به آن، از چشم انداز تهدید سرزمینی و تهدید امنیت انرژی، است. این رژیم، به رغم اتفاق آرای نسبی جامعه جهانی مبنی بر غیرقانونی بودن حضورش در این منطقه، به اشغال جولان ادامه داده است. پرسش پژوهش چیستی رویکرد جریان مقاومت در برابر حضور و راهبرد اسرائیل در بلندی‌های جولان است. (مساله) روش پژوهش کتابخانه‌ای و تکنیک آن در رویکرد به منابع و ادبیات موجود توصیفی-تحلیلی است. (روش) جنبش مقاومت، به مثابه جریان پویای برجای مانده از جنبش فراگیر بیداری اسلامی در دنیای عربی، کارویژه مبارزاتی و بازدارندگی یافته است. کوشش آن جلوگیری از عادی سازی اشغال و برقراری رابطه با رژیم اشغالگر است. بر این اساس حمایت از جنبش‌های بیداری اسلامی، حضور مستشاری و پشتیبانی نظامی جمهوری اسلامی ایران در سوریه به مثابه منطقه عمل جریان مقاومت، ماندن در نزدیکی بلندی‌های جولان و پیگیری استراتژی بازدارندگی و دفاعی جریان مقاومت با توجه به مسئله انرژی و نفت یافته‌های استراتژیک این پژوهش اند. (یافته‌ها)

واژگان کلیدی: بلندی‌های جولان، جریان مقاومت، اسرائیل، نفت، راهبرد.

۱. استادیار روابط بین الملل، پژوهشکده مطالعات سیاسی و بین الملل و حقوق، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

t.mohammadikia@gmail.com

 <https://orcid.org/0000-0002-5847-479X>

shaker313@gmail.com

۲. کارشناس ارشد گروه مطالعات منطقه‌ای- دانشگاه مفید- قم- ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۳۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۰۹ صص ۲۷-۷

۱. مقدمه و بیان مساله

آرمان فلسطین آغاز بخش بسیاری از تحرکات و جنبش‌ها در جهان مسلمانان بوده است. امروزه شاهد ایجاد روابطی نو در فضای میان دولت‌های عربی و رژیم صهیونیستی هستیم؛ رخدادی که به نوبه خود از یک سوی به سمت عادی سازی رابطه با این رژیم و پذیرش اشغال پیش می‌رود و از سوی دیگر در سطح اجتماعی انرژی نهفته در دل خواست عمومی مقاومت را بیدار می‌سازد. هم‌اکنون این روی پژوهش چندوچون رویکرد جریان مقاومت به مثابه بازوی بیداری اسلامی را به تلاش رژیم صهیونیستی برای رسمیت بخشی حضورش در بلندی‌های جولان به بحث می‌نهد. پژوهش با تمرکز بر آرمان فلسطین و دغدغه بلندی‌های جولان رویکرد نوین جریان مقاومت را بررسی می‌کند و در پایان پیشنهادهایی برای پیشبرد اهداف مقاومت ارائه می‌نماید.

این مهم در توضیح دیالکتیک میان مقاومت و بیداری اسلامی محقق می‌گردد؛ دیالکتیکی که در تاثیر و تاثر مقاومت و بیداری اسلامی از یکدیگر در آمدوشد است و گونه‌ای آمیختگی نظری و عملی را ایجاد نموده است. وجهه همت پژوهش در یک سطح مطالعه نحوه حضور و توضیح منطق عملکرد اسرائیل در بلندی‌های جولان از چشم انداز رویکرد آن به نفت و انرژی، به مثابه کالایی راهبردی برای این رژیم، و در سطحی دیگر رویکرد جریان مقاومت به این کنش است. پرسش مرکزی ما چندوچون رویکرد جریان مقاومت به راهبرد اسرائیل در رابطه با منابع نفتی بلندی‌های جولان است. در پاسخ به این پرسش باید گفت جریان مقاومت به مثابه ساختار عملی و پویا و زنده برخاسته از بیداری اسلامی اکنون تنها مانع برجای مانده عربی موثر در برابر ترتیباتی است که امنیت ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوراهبردی منطقه را به سود اسرائیل تغییر می‌دهد. این جریان با تکیه بر آرمان‌های نخستین جنبش‌های اسلامی به زیست پویای خود ادامه می‌دهد. آن را باید تحرکی درمقابل نشست‌هایی مانند نشست منامه و پیمان‌هایی همچون صلح ابراهیم دانست که می‌کوشند رابطه با رژیم صهیونیستی را به امر سیاسی روزمره بکاهند.

۱-۱. اهداف، پرسش‌ها و روش پژوهش

کوشش نوشتار این است تا چرایی و چگونگی تمرکز اسرائیل بر استمرار حضور در بلندی‌های جولان را با توجه به اهمیت راهبردی این منطقه به لحاظ برخورداری از نفت به مثابه یک منبع زیر زمینی تعیین کننده در معادلات منطقه ای، با توجه به تهدید انرژی و تحریم نفت در جنگ

شش روزه (Associated Press, 1967, p. 22&157)، و رویکرد جریان مقاومت به مثابه نگرش مبارزاتی حاضر مطالعه نماید. براین اساس هدف مقاله نخست درک مکانیزم عملکرد اسرائیل در جولان و دوم ارایه توضیح رویکرد و شیوه عمل جریان مقاومت در ارتباط با حضور رژیم صهیونیستی در بلندی‌های جولان و سپس راهکارها و پیشنهادهایی برای رهیافت راهبردی جریان مقاومت است. روش پژوهش کتابخانه‌ای و تکنیک آن در رویکرد به منابع و ادبیات موجود توصیفی-تحلیلی است.

۱-۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی چند اگرچه اندک درباره بلندی‌های جولان به انجام رسیده است. در ادامه شماری از مقاله‌های منتشر شده در این حوزه مرور می‌شود:

سید حسین موسوی در مقاله «بلندی‌های جولان و امنیت رژیم صهیونیستی» سوپه امنیتی اشغال بلندی‌های جولان را به عنوان تنها بخشی که رژیم صهیونیستی بر اشغال آن پس از تعیین مرزهای ۱۹۴۷ اصرار دارد پرداخته است. مقاله واکنش جنبش‌های بیداری اسلامی را نسبت به این مهم پوشش نداده است.

در مقاله «تاثیر مناسبات هیدروپلیتیک در پیدایش درگیری‌های بین‌المللی؛ نمونه پژوهی: اشغال بلندی‌های جولان» مراد کاویانی راد و همکاران به بحران آب و راهبرد رژیم صهیونیستی در بلندی‌های جولان پرداخته‌اند. به رغم همپوشانی موضوع ذخایر در راهبرد این رژیم در ارتباط با بلندی‌های جولان پژوهش پیش‌روی این راهبرد را در ارتباط با جریان مقاومت می‌پژوهد که وجه تمایز آن نسبت به مقاله کاویانی راد و همکاران است.

حجت مهکویی و مریم شعبانی در مقاله «واکاوی تغییرات شکل هندسه سرزمین در برخی کشورهای اسلامی بین سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۰۱» به بررسی تحولات جغرافیایی در سودان جنوبی و بلندی‌های جولان پرداخته‌اند. این مقاله رویکرد سیاسی و واکنشی جریان‌های اسلامی را مورد مطالعه قرار نداده است.

احمد القطان در مقاله «اشغال بلندی‌های جولان از منظر حقوق بین‌الملل عرفی» مطالعه رویکرد حقوق بین‌الملل را به اشغال بلندی‌های جولان و بازنگشتن رژیم صهیونیستی به خط سبز را تجزیه و تحلیل نموده است. باتوجه به گذر زمان و سال چاپ مقاله ضرورت بازنگری

و بازخوانی حضور رژیم صهیونیستی در بلندی‌های جولان پس از سیاست‌های متحول و جریان‌های نوظهور در منطقه احساس می‌شود.

۲. رژیم صهیونیستی و بلندی‌های جولان

راهبرد اسرائیل در خصوص ذخایر زیر زمینی و منابع نفتی بلندی‌های جولان، به رغم ممنوعیت‌های بین‌المللی و عدم به رسمیت شناخته شدن حضور این رژیم در این منطقه، بهره‌برداری است. در واقع استخراج نفت در بلندی‌های جولان را، به‌عنوان راهبردی در برابر تحریم انرژی، باید یکی از عوامل اصلی موثر در تداوم حضور اسرائیل در این منطقه راهبردی دانست؛ چه آن که این مهم به استمرار اشغال جولان منطقی فراراهبردی بخشیده است. مشخصاً این بهره‌برداری، دست‌کم بر اساس برخی مدارک در دسترس که طی مقاله به بحث گذاشته شده است، خودکفایی نسبی اسرائیل را از واردات گسترده نفت سبب گردیده است. (Crone, 2019, p. 163) اصرار بر عدم ترک منطقه اشغالی جولان، به رغم تصریح قطعنامه‌های بین‌المللی بر ضرورت این مهم را باید بیانگر برنامه راهبردی این رژیم برای حضور همیشگی در این منطقه دانست.

۱-۲. رویکرد تاریخی و مسئله نفت در جولان

رویکرد جریان مقاومت به اشغال بلندی‌های جولان با آگاهی از نیاز رژیم اشغالگر به ذخایر زیرزمینی انتخاب شده است. این آگاهی در ادامه جنگ‌های میان اعراب و اسرائیل به دست آمده است. بلندی‌های جولان، جایی فراتر از خط سبز (مرزهای ۱۹۴۸) پیش از جنگ شش روزه در ۱۹۶۷ مرکز درگیری میان سوریه و اسرائیل بود چرا که طی موافقتنامه آتش بس، سال ۱۹۴۹، میان اسرائیل و سوریه بلندی‌های جولان تا اندازه زیادی مغفول مانده بود. براساس این موافقتنامه امکان پایان جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸، بین اسرائیل و همسایگان عرب آن از جمله مصر، لبنان، اردن و سوریه که خطوط آتش بس یا خط سبز را برقرار کردند، میسر گردید و نبرد پایان یافت.

پس از جنگ شش روزه ارتش اسرائیل کنترل بر بلندی‌های جولان و کوه فوقانی هر مون را به‌دست آورد؛ منطقه‌ای که دسترسی به منابع آبی رودخانه جردن بالا را برای اسرائیل فراهم ساخت. پس از جنگ یوم کیپر در سال ۱۹۷۳، که ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی در اوج

جنگ سرد بودند، اسرائیل موافقت کرد که حدود ۵٪ از بلندی‌های جولان را، بر اساس این توافق که منطقه ضد شورش به عنوان منطقه آتش بس اعلام شود، به سوریه بازگرداند. در ادامه منطقه آتش بس تحت نفوذ نیروهای صلح سازمان ملل متحد گسترش یافت. در سال ۱۹۸۱ اسرائیل رسماً بلندی‌های جولان را ضمیمه خاک خود کرد؛ در حالی که در سطح بین‌المللی این الحاق به رسمیت شناخته نشده بود. وزیر دفاع پیشین اسرائیل، موشه دابان، در ۲۷ آوریل ۱۹۹۷ در «یدیوت آهارونوت» در مورد تجاوز اسرائیل به سوریه صحبت کرد. این مصاحبه پس از جنگ یوم کپیر در سال ۱۹۷۳ انجام شد. (Reinhart, 2002, p. 127) در مصاحبه‌ای در سال ۱۹۷۶ موشه دابان، که در سال ۱۹۶۷ وزیر دفاع بود، توضیح داد که چه چیزی منجر به تصمیم به حمله به سوریه در جنگ ۱۹۶۷ شده بود. بر اساس توضیحات وی در آگاهی جمعی اسرائیل در این دوره زمانی، سوریه به عنوان یک تهدید جدی برای امنیت تصور می‌شد. این ادعا در حالی طرح شد که سوریه قبل از سال ۱۹۶۷ تهدیدی برای اسرائیل نبود. (Ibid) کشورهای بسیاری در رد ادعای تل آویو درباره بلندی‌های جولان اشغالی به سوریه پیوستند. (Weizman, 1988, p.222) در این میان رویکرد جمهوری اسلامی ایران با التفات به جریان مقاومت قابل فهم است. حضور ایران در سوریه را باید در ادامه دیالکتیک مقاومت و جنبش‌های اسلامی فهم نمود. این شیوه رویکرد در این مقطع زمانی نمایانگر گونه‌ای آگاهی در جریان بود که از اهمیت بلندی‌های جولان و ظرفیت‌های آشکار و نهان آن خبر می‌داد. نکته دیگر این‌که چنین فهمی با تمرکز بر بحران نفت در جنگ شش روزه وجه عملیاتی و راهبردی می‌یابد. این مهم در عمده رویکردها نسبت به بلندی‌های جولان برجسته شده است. رژیم صهیونیستی امکانات و ذخایر این منطقه را تضمین امنیت اسراتژیک و امنیت انرژی خود می‌داند.

فقدان نفت و انرژی در اسرائیل، این دولت را بر آن داشت تا برنامه گسترده‌ای را برای کشف در همه سرزمین‌های تحت اشغال خود به اجرا گذارد. اثبات منابع نفتی در جولان، و تخمین حجم ذخایر و نوع لایه‌های این منابع، نخستین بار در سال ۱۹۹۰ اعلام شد. امروزه منابع اطلاعاتی در دست است که این مهم را اثبات می‌کند. مشخصاً اطلاعات مربوط به میزان نیاز اسرائیل به انرژی نفت و ارتباط آن با اشغال جولان^۱ سوریه مسئله‌ای است که با گذشت دو دهه

از جنگ شش روزه از فیلتر اطلاعاتی رژیم صهیونیستی خارج شده است و تا حدی در دسترس قرار گرفته است. (Yearbook of the United Nations, 2014, p. 597)

جهت تحلیل تاریخی این مسئله باید به جغرافیای سیاسی جولان توجه کنیم. بلندی‌های جولان یک فلات حاصل خیز میان اسرائیل و سوریه است (Wessels, 2015, p. 274). این منطقه حایز اهمیتی ژئوپلیتیک، ژئوراهبردی، ژئواکونومیک و هیدروپلیتیک است. کشف نفت در جولان بر این اهمیت افزوده است. آگاهی اسرائیل از این ظرفیت اسراتژیک جولان حتی به پیش از جنگ‌های ۱۹۶۷ با اعراب بازمی‌گردد و جنبش صهیونیست حتی قبل از نبرد با اعراب و پس از جنگ جهانی اول و در کنفرانس صلح پاریس، با تاکید بر وجود ارتباط تاریخی میان یهودیان و جولان، مدعی مالکیت بر این سرزمین شده بود. (Ram, 1986, p. 86)

البته این نباید به معنای آن دانسته شود که جنبش صهیونیستی از دیربار نسبت به منافع نفتی این منطقه آگاهی داشته است؛ بلکه به معنای آن است که میان ایشان درکی از اهمیت راهبردی این منطقه پدید آمده بود. به هر روی امروزه بلندی‌های جولان منطقه‌ای حیاتی و راهبردی برای اسرائیل است؛ چرا که در پی اکتشاف نفت، علاوه بر گسترش سرزمینی، کارکردی حیاتی در حوزه اقتصادی پیدا کرده است و به مثابه جزء مهمی از چشم‌انداز اقتصادی و امنیتی این دولت اشغالگر درآمده است (Soffer & Minghi, 1986, p. 80 & 85). این ملاحظه راهبردی به اندازه‌ای دارای اهمیت است که دیوید بن گورین، اولین نخست‌وزیر و مؤسس دولت اسرائیل در این باره اظهار داشته است: «جولان با دیگر منطقه‌های تحت سیطره اسرائیل از نظر اهمیت متفاوت است. تمامی مناطق اشغالی به جز جولان و اورشلیم شرقی باید به کشورهایشان برگردانده شوند». (Ram, 1986, p. 84) اهمیت این گفته بن گورین هنگامی مشخص می‌گردد که به کارکرد امنیتی و اقتصادی این منطقه به صورت هم‌زمان توجه نماییم. رویکردی از این دست به دوگانه اقتصاد و امنیت را در نگاه شریک راهبردی اسرائیل در منطقه، آمریکا، نیز می‌توان مشاهده کرد.

حفاری نفت در سرزمین‌های فلسطین به سال ۱۹۱۴ میلادی باز می‌گردد. نخستین عملیات اکتشاف در سال ۱۹۴۷ توسط وابسته‌ای از شرکت نفت عراق صورت گرفت. پس از سال ۱۹۵۳ این عملیات توسط وزارت انرژی و منابع آب اسرائیل کنترل می‌شود. در مجموع تاکنون ۴۸۰

دستگاه دکل دریایی برپا شده است. (Smith, 2014, p. 42) جالب آن‌که اسرائیل با وجود هشدارهایی مبنی بر نقض قوانین بین‌المللی هنوز هم در راستای حفاری نفت در ارتفاعات جولان اشغالی پیش می‌رود. در سپتامبر سال ۲۰۱۵ افک^۱ اعلام کرد که نخستین مخزن نفتی خود را کشف کرده است. رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۶۷ بلندی‌های جولان سوریه را اشغال کرد و بیشتر جمعیت سوری را اخراج کرد. براساس تحقیقات سال ۲۰۱۰ روزنامه تل‌آویو هآرتص، حدود ۱۳۰،۰۰۰ سوری بیرون رانده شدند و بیشتر ۲۰۰ روستای جولان نابود شد. امروز ۲۲۰۰۰ سوری دروزی در این قلمرو باقی مانده‌اند. مهاجران در ۳۰ شهرک گسترش یافته‌اند. این شیوه رفتار طبق قوانین بین‌المللی غیرقانونی است؛ در سال ۱۹۸۱ اسرائیل رسماً این قلمرو را الحاق کرد و دولت‌ها در سراسر جهان این الحاق را باطل می‌دانند. مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۰۶ قطعنامه‌ای را تصویب کرد که تصدیق مجدد چیزی است که آن را «حقوق غیرقابل نفوذ» مردم عرب در جولان بر سر منابع طبیعی آن می‌داند.^۲ براساس مقررات لاهه در سال ۱۹۰۷ که سنگ بنای حقوق بین‌الملل است یک قدرت اشغالگر باید از «سرمایه غیر منقول محافظت کند».^۳ سرقت منابع از یک سرزمین اشغالی جرم غارت شناخته می‌شود. با این وجود در دسامبر سال ۲۰۱۱، دادگاه عالی اسرائیل حکم داد که اشغال اسرائیل منحصر به فرد است و طبق قوانین این رفتار غارت شناخته نمی‌شود. (Kretzmer, 2012, p-p. 207-212)

هویت، امنیت و انرژی را باید مجموعه مولفه‌های رویکرد جریان مقاومت به بلندی‌های جولان دانست. در این میان انرژی را باید مولفه برقرار و بالفعلی دانست که به‌شکل هرروزه و اکنونی حضور دارد. نیاز روزمره به انرژی محل رقابتی عمومی است. امتداد این رقابت به بلندی‌های جولان هم کشیده شده است. امنیت فزاینده انرژی در کنار تهدید برخاسته از تحریم یا فقدان آن راهبرد کنونی رژیم صهیونیستی در بلندی‌های جولان است. این راهبرد به‌رغم ممنوعیت مضاعف حضور و استخراج منابع بلندی‌های جولان از سوی نیروی اشغالگر پی‌گرفته شده است. چنین رویکردی در این منطقه به‌نوعی آگاهی امنیتی در جریان مقاومت انجامیده است و فراتر از بحث انرژی به عنوان راهبرد آگاهانه در تقابل با این رژیم تبدیل شده است.

1. Afek Oil and Gas

2. GA Resolution (A/RES/73/255) - <https://www.un.org>.

3. Rule 51 - ICRC databases on international humanitarian law.

۲-۲. اهمیت فزاینده نفت و انرژی برای اسرائیل

اهمیت نفت برای اسرائیل را زمانی می توان دریافت که به بحران نفت در سال ۱۹۷۳ بازگردیم. طی این بحران آسیب پذیری اسرائیل در حوزه انرژی، با توجه به عزم کشورهای عربی برای تحریم نفتی این رژیم، مشخص گردید. این بحران اسرائیل را به اکتشاف نفت در سینا تشویق کرد؛ تلاشی که نتیجه داد و سرانجام به استخراج از میدان نفتی آلمان ۱ و میدان گازی سادات ۲ در شمال این صحرا انجامید. این روند با امضای پیمان صلح کمپ دیوید با مصر به پایان رسید. (عبداللهی و زیبایی، ۱۳۸۱، صص، ۱۰۴-۱۰۶).

واقعیت آن است که اسرائیل در زمینه انرژی و به خصوص نفت در تاریخ کوتاه خود کاملاً وابسته بوده است؛ در حالی که مصرف نفت در آن همیشه روندی افزایشی داشته است (همان، ۱۳۸۱، صص، ۱۲۵). مرکز تحقیقات «گلوبال ریسرچ» نیز افشا کرد که عربستان سعودی و اقلیم کردستان عراق در سال‌های اخیر بیش از ۷۵ درصد از نفت خود را به مقصد تل آویو صادر کرده‌اند. طبعاً به میزانی که استخراج این منافع افزایش یابد جایگاه رژیم صهیونیستی در میان کشورهای متکی بر ذخایر نفتی خود ارتقاء پیدا می کند.

شاهد مدعای آسیب پذیری این رژیم در زمینه انرژی و نفت این که واشنگتن ضمن درک نیاز رژیم اشغالی به نفت، متعهد به تامین این انرژی برگشت‌ناپذیر شده است؛ توافقی که در سال ۱۹۷۵ میان طرفین به امضا رسید و بر مبنای آن آمریکا ضامن اجابت نیازهای نفتی متحد خود شد. این توافق‌نامه که هر پنج سال یک بار تمدید می شود، مسئولیتی حقوقی برای واشنگتن ایجاد می کند که اندوخته‌های اضافی از نفت معادل سه میلیارد دلار را برای اسرائیل در نظر بگیرد؛ مساله‌ای که همواره فشارها و تنگناهای اقتصادی بسیاری را بر دولت آمریکا متحمل ساخته است. (إحسان، ۲۰۱۵، صص، ۲۶۵-۲۶۶).

بر اساس گزارش منتشر شده در سال ۲۰۱۵، مصرف روزانه‌ی نفت در سرزمین‌های اشغالی برابر با ۲۷۰ هزار بشکه است که اسرائیل بیش از ۲۴۰ هزار بشکه از آن را به بخش نظامی تخصیص داده است. این در شرایطی است که این رژیم به دلیل تجاوزگری‌های تاریخی خود، همواره نسبت به تهدیدات از فلسطین، سوریه و حزب الله در حال آماده باش نظامی قرار داشته و در صورت هرگونه جنگ احتمالی، نفت یک کالای الزامی و حیاتی برای بخش نظامی و نیمه نظامی آن ارزیابی می گردد.

۲-۳. چرایی اهمیت فراراهبردی بلندی‌های جولان

یک دلیل عملی و کمتر ایدئولوژیک برای الحاق بلندی‌های جولان وجود دارد؛ دلیلی که به اشغال این بلندی‌ها وجهی فراراهبردی بخشیده است. در اوایل سال ۲۰۱۳، اسرائیل به شرکت آمریکایی نفت و گاز جنی ۱ اجازه تحقیق در مورد نفت و گاز در شعاع ۱۵۳ مایل مربع در قسمت جنوبی بلندی‌های جولان را صادر کرد. در سال ۲۰۱۵ اعلام شد که در جولان ذخایر بزرگ نفتی کشف شده است. تخمین زده می‌شود که این ذخیره حاوی میلیاردها بشکه باشد؛ حجمی از نفت که به اندازه کافی برای تأمین نیازهای انرژی اسرائیل برای چندین دهه به حساب می‌آید. حفاری‌ها در جولان جنوبی در همان سال آغاز شد. پس از این بود که چند تن از جمهوری خواهان سنا به رهبری تد کروز ۲ قطعنامه‌هایی را مطرح کردند که در آن از ایالات متحده خواسته شده بود رسماً الحاق جولان را به سرانجام برساند. جالب این‌که استنی هویر ۳ رهبر اکثریت مجلس نمایندگان دموکرات هم از به رسمیت شناختن حق اسرائیل برای نگه داشتن جولان و ذخیره نفت آن حمایت کرد.» (Cavari, 2022, p.156)

نخست وزیر اسرائیل بنیامین نتانیاهو یک پیام واضح عملی را به جامعه بین‌الملل در مورد ارتفاعات جولان (منطقه‌ای که در اصل بخشی از سوریه بود و اکنون از سال ۱۹۶۷ توسط اسرائیل اشغال شده است) ارسال نمود؛ او خواستار تشکیل جلسه کابینه در ۱۷ آوریل شد تا اعلام کند بلندی‌های جولان تحت نظارت اسرائیل قرار خواهد گرفت. دولت اسرائیل ادعا می‌کند که بلندی‌های جولان یک منطقه راهبردی برای امنیت اسرائیل است. نکته‌ای که نیاز به پرداختن بیشتر دارد ارتباط کارکرد راهبردی این منطقه با منابع آن، به ویژه نفت است. توضیح بیشتر آن که بسیاری از تحلیل‌گران امور راهبردی اهمیت جولان را صرفاً در ارتباط با سوریه و منطق امنیتی ناشی از تسلط بر آن به مثابه منطقه‌ای مشرف بر شهر دمشق می‌دانند؛ در حالی که، علاوه بر این موضوع، جولان به لحاظ منابع طبیعی یک منطقه فراراهبردی به حساب می‌آید و همین مسئله به آن جایگاهی فراراهبردی بخشیده است. پیش‌تر به برخی سطوح اهمیت نفت جولان پرداختیم اما واقعیت این است که علاوه بر نفت آب و خاک جولان نیز اهمیتی فراراهبردی دارد. واقعیت

1. Genie Oil & Gas Corp
2. Ted Cruz
3. Steny Hoyer

آن است که یک سوم از منابع آب اسرائیل از این قلمرو اشغالی تأمین می شود. با این حال، هم چنان که توضیح خواهیم داد، مهم ترین منبع طبیعی این منطقه نفت است؛ چه آن که کشف نفت در بلندی های جولان به خودکفایی نسبی اسرائیل در زمینه انرژی فسیلی منجر گردد. (Crone, 2019, p. 163-164) پس از حفاری های شبانه روزی، مقادیر بسیاری نفت در بلندی های جولان یافت شده است. تخمین ها حاکی از آن است که مقدار نفت کشف شده باعث می شود اسرائیل برای سال های زیادی خودکفا شود. دکتر یووال بارتوف^۱، زمین شناس ارشد نفت و گاز افک ۲ اظهار داشت: «ما در مورد لایه هایی صحبت می کنیم که ۳۵۰ متر ضخامت دارد و آنچه مهم است ضخامت و تخلخل است. به طور متوسط در جهان این قشرها ۲۰-۳۰ متر ضخامت دارند و میزان ضخامت قشرهای موجود در این منطقه ده برابر بیشتر از میانگین جهانی است. بنابراین ما درباره مقادیر قابل توجهی صحبت می کنیم. نکته مهم این است که بدانیم نفت در سنگ است و این چیزی است که ما اکنون می دانیم.» (Channel 2 News, October 7, 2015) بر این اساس تحلیل گران جنگ شش روزه را جنگ تهاجمی اسرائیل برای زمین، آب و نفت نام گذاری می کنند. (Radelet, 2016, p. 285)

از دیگر سوی و از چشم انداز تجارت انرژی باید در نظر داشت که هرگونه اختلال در واردات نفت به اسرائیل می تواند بر پیش بینی های نظامی این کشور در خاورمیانه تأثیر بگذارد. در واقع نوعی آگاهی عمومی وجود دارد که حفظ بلندی های جولان در بردارنده تمهیداتی بیش و فراتر از نگرش راهبردی است و به شکل ویژه به نفت و انرژی مربوط می شود. پیش بینی می شود ذخایر نفتی بلندی های جولان نزدیک به یک میلیارد بشکه نفت باشد، کافی است اسرائیل را از یک کشور تازه کار به یک منبع انرژی تا سال ۲۰۲۰ تبدیل کند.

۴-۲. چندوچون عملیات اکتشاف در بلندی های جولان

به رغم تلاش های اسرائیل برای کشف نفت جولان در اوایل دهه ۱۹۷۰ و افزایش سرعت این فرآیند در دهه ۱۹۸۰، تل آویورسماً تا ژانویه ۱۹۹۰ مانع از بروز و انتشار هرگونه اطلاعاتی در این زمینه شد. تاریخ دقیق آغاز رسمی عملیات اکتشاف نفت بر بلندی های جولان مساله ای است

1. Dr. Yuval Bartov

2. Afek

که همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار داد اما دادگاه عالی رژیم صهیونیستی ۲۱ ژوئن ۲۰۱۶ مجوز حفاری‌های نفتی در سرزمین اشغالی جولان را برای کمپانی جنی انرژی^۱ آمریکا و شرکت‌های وابسته آن نظیر آفک^۲ صادر کرد. (Lin, 2015, p. 2-4)

شورای نفت وزارت زیرساخت‌های ملی، انرژی و منابع آب اسرائیل^۳ در می سال ۲۰۱۲ به آفک مجوز اختصاصی سه ساله برای اکتشاف نفت در بلندی‌های جولان را اعطا کرده است که شرکت یادشده بر پایه این مجوز، اجازه هرگونه تحقیقات و عملیات منجر به اکتشاف در مساحت ۳۹۶/۵ کیلومتر مربعی جنوب جولان را پیدا کرده است. آفک در چند سال اخیر سه مورد حفاری در جولان جنوبی انجام داده که هر سه به کشف ذخایر عظیم نفتی منجر شده است؛ اکتشافی که میزان تولید نفت احتمالی از آن عددی بالغ بر میلیاردها بشکه پیش‌بینی می‌شود. گستره مورد نیاز این پروژه از شهرک کاتسرین^۴ آغاز می‌شود و تا جنوب جولان اشغالی ادامه می‌یابد. (Greenfield-Gilat, 2009, p. 13)

دسترسی به نفت را به‌مثابه گذر از آسیب برای رژیم صهیونیستی باید یکی از مهم‌ترین دلایل‌های اصرار بر ماندن در بلندی‌های جولان دانست. طمع به برداشت ذخایر زیرزمینی و به شکل برجسته نفت رژیم را بر آن می‌دارد که هم برخلاف متن صریح حقوق بین‌الملل درباره ذخایر سرزمین‌های اشغال و هم در برابر رای مجمع عمومی مبنی بر خروج از جولان دست به عمل بزند.

۱-۴-۲. ذخایر نفتی جولان اشغالی

از دیرباز گمان آن می‌رفته است که ارتفاعات جولان روی مقادیر عظیمی از هیدروکربن واقع باشد. ذخایر نفتی بلندی‌های جولان، اسرائیل را در حوزه‌ی انرژی به یک منبع انرژی تبدیل نماید اگرچه استخراج این ذخایر چالشی در بلندی‌های جولان قلمداد می‌گردد. (Lin, 2015, p. 4) در همین رابطه یوفال بارتوف^۵، زمین‌شناس ارشد شرکت صهیوآمریکایی نفت و گاز آفک در

1. Genie Energy
2. Afk Oil and Gas
3. The Petroleum Council of The Ministry of National Infrastructure, Energy and Water Resources
4. Katzrin
5. Dr. Yuval Bartov

جریان گفتگویی اظهار داشته است: «ما درباره یک لایه نفتی به قطر ۳۵۰ متر صحبت می‌کنیم. این لایه‌ی نفتی ۱۰ برابر بزرگتر از میانگین لایه‌های نفتی کشف شده در سراسر جهان است. به همین دلیل ما از مقادیر قابل توجه صحبت می‌کنیم، اما مسئله حائز اهمیت این است که نفت در بخش‌های خارهای و سخت صخره‌های زیرین وجود دارد» (Ibid) و آنچه که اعمیت دارد این است که ما از «نفت در صخره»^۱ سخن می‌گوییم.

بهره برداری از نفت بلندی‌های جولان برای اسرائیل یک تحول عمیق منطقه‌ای است. چه بسا هرگونه قطع صادرات نفت به سرزمین‌های اشغالی می‌تواند بر روند تولید نفت و همچنین تقابل‌ها و پیشروی‌های نظامی در منطقه غرب آسیا تاثیر بگذارد. بنابراین، اشغال جولان، از نظر ایجاد قدرت برتری و هژمون سازی منطقه‌ای به نوعی اهداف اسرائیل را برآورده کرده است. ناظران سیاسی بر این باورند که اسرائیل در مسیر سوق به عدم وابستگی نسبت به صادرات نفتی گام برداشته است در این میان برخی منابع روسی بر این ادعا صحه می‌گذارند.

۲-۴-۲. استخراج دره‌های از ابهام

فرآیندهای تحقیقاتی و اکتشافی در حوزه نفت پس از حفر چاه معمولاً به استخراج طلای سیاه منجر می‌شود اما این مهم در رابطه با بلندی‌های جولان صدق نمی‌کند. به عبارت دیگر اطلاعات اندکی در محدود منابع علمی در دسترس و مرتبط با نفت جولان اشغالی دیده می‌شود که موبد آغاز عملیات استخراج و بهره‌برداری از نفت این منطقه هستند.

از جمله سناریوهای قابل طرح در این زمینه و در ارتباط با این سطح از آشفتگی و ابهام اطلاعاتی بهره‌گیری اسرائیل از روش‌های خطرناک منجر به آلودگی و خطرات زیست محیطی همچون فرکینگ^۲ است. عملیات حفاری و سپس استفاده از نفت استخراج شده، تغییری اساسی در فرم ارتفاعات جولان ایجاد می‌کند که این امر با تبدیل جولان به منطقه‌ای صنعتی، ممکن است هوا، آب‌های زیرزمینی و دریاچه طبریه را آلوده سازد. بر همین اساس نیز دادخواست‌هایی از سوی سازمان‌های حفاظت از محیط زیست جهانی برای جلوگیری از هرگونه پروژه اکتشاف نفت در جولان تدوین شد که البته دیوان عالی اسرائیل قویاً به آن بی‌توجهی کرد.

هجمه‌های بین‌المللی و صدور قطعنامه‌های شورای امنیت در مورد ضرورت عقب‌نشینی اسرائیل از

1. Oil is in the rock

2. Farcking

جولان و بازگشت به مرزهای پیش از ۱۹۶۷ دومین علت است که بر شیوه اطلاع رسانی آن موثر بوده است. قطعنامه ۲۴۲ در سال ۱۹۶۷ و قطعنامه شماره ۴۹۸ در سال ۱۹۸۱ دستورهایی از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد بوده‌اند. این دسته از دستورهای شورای امنیت فاقد ضمانت اجرا در رابطه با متخلف است. در سال‌های اخیر نیز قطعنامه‌هایی با تاکید بر اشغالی بودن بلندی‌های جولان و لزوم بازگرداندن آن به جمهوری عربی سوریه از سوی اعضای مجمع عمومی سازمان ملل در اجلاس‌های سالانه صادر شده است. این اعلامیه‌ها نیز از سوی رژیم صهیونیستی مورد بی توجهی واقع گردیده و تاثیری در پیش روی‌ها و تدام اشغال و بهره‌گیری از منابع توسط این رژیم نداشته است. (UN, 2019, p.21).

اصرار رژیم صهیونیستی بر ماندن در بلندی‌های جولان به رغم اعلامیه‌های سازمان ملل متحد و نیز مخالفت جهانی در کنار چشم داشتن به منابع و ذخایر این سرزمین دارای وجه حیثیتی و هستی شناختی نیز می‌باشد. این بعد را می‌توان در ارتباط با دیالکتیک رویکرد مقاومت نسبت به آرمان فلسطینی و برخورد رژیم صهیونیستی با جریان مقاومت تحلیل نمود.

۳. بلندی‌های جولان و جریان مقاومت

ما از چندوچون ارتباط بیداری اسلامی و حضور رژیم صهیونیستی در بلندی‌های جولان پرسیدیم. پاسخ این است که جریان مقاومت به مثابه ساختار عملی برخاسته از بیداری اسلامی مانع اصلی در برابر ترتیباتی است که امنیت ژئوپلتیک، ژئواکونومیک و ژئوراهبردی منطقه را به سود اسرائیل تغییر می‌دهد. بلندی‌های جولان دارای اهمیت ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک برای سوریه و اسرائیل است. (رجبی، ۱۴۰۰، ص ۸۴) رویکرد جریان مقاومت به اشغال بلندی‌های جولان علاوه بر وجوه حیثیتی، هویتی و ارتباطی در عرصه روابط بین الملل دارای بعد برجسته‌ای در حوزه انرژی است. در واقع تمرکز بر رویکرد اسرائیل بر ذخایر انرژی در بلندی‌های جولان به اهمیت‌یابی این موضوع در نگرش جریان مقاومت انجامید. در فراز پیشین به عوامل موثر بر اهمیت‌یابی استخراج منابع نفتی بلندی‌های جولان پرداختیم. سرانجام باید گفت این عامل در کنار دیگر عوامل حیاتی (هم‌چون تداوم تهدید راهبردی سوریه با توجه به وضعیت ژئوگرافیک این بلندی‌ها، هدف اسرائیل در گسترش قلمرو حیاتی برای خود، تاثیر اقتصاد جولان بر اسرائیل هم‌چون بهره‌برداری از ذخایر آبی آن و استخراج منابع غیرنفتی و نیز منافع کشاورزی) موجب اهمیت‌یابی راهبردی اشغال این منطقه برای اسرائیل گردیده است. در این میان جریان مقاومت با تمرکز بر رویکرد مبتنی بر دفاع و مفهوم امنیت، در کنار آگاهی از اهمیت‌یابی روز

افزون امنیت انرژی در عرصه جهانی، در برابر اشغال بلندی جولان دست به کنش می زند. (نوروزی و مرنندی، ۱۳۹۸، ص ۶۵) در واقع جریان مقاومت رویکردی حیثیتی و هستی شناختی را در ارتباط با برخورد با راهبرد رژیم صهیونیستی در بلندی های جولان دنبال می کند که تقابل با سیاست های امنیت انرژی و نفتی این رژیم را نیز دربر می گیرد.

۱-۳. بازپس گیری سرزمین های اشغالی و رسالت بیداری اسلامی

آرمان فلسطین را باید نقطه پیوند همه جنبش های اسلامی دانست. بیداری اسلامی هم از این قاعده استثنا نیست. امروزه بیداری اسلامی و جریان مقاومت بازمانده از آن را باید تنها جریان زنده در برابر روند روبه رشد صلح و عادی سازی روابط میان اعراب و اسرائیل دانست که می کوشد در برابر پیمان صلح ابراهیم بایستد و از عادی سازی اشغال جلوگیری به عمل آورد. مقاومت برجای مانده از جنبش های پیوسته و ادواری بیداری اسلامی را باید فریادی در برابر عادی سازی اشغال دانست که پیش انگاشت هر گونه صلح و پیمان میان دولت های اسلامی و رژیم اشغالگر است. جریان مقاومت کوششی است علیه عادی سازی حضور هستنده سیاسی برجای مانده از تجربه جنگ جهانی دوم.

بحث اینجا است که چرا اسرائیل به رغم هزینه حیثیتی همچنان در بلندی های جولان مانده است و جریان مقاومت چه کنشی می تواند در برابر این اصرار پیش بگیرد؟ اسرائیل را باید نقطه بهم رسیدن بحران ها در خاورمیانه دانست. راه حل این بحران از زمان پیدایش آن تا امروز مبارزه، نبرد، طرد و مقاومت بوده است اما طی سال های اخیر دولت های عربی با چرخش پارادایمی به سوی برقراری رابطه و پذیرش اشغال تغییر رویکرد داده اند. در این میان تنها و تنها جریان مقاومت خیزش زنده و پویایی است که هنوز می تواند نقش مبارزاتی مشروع پیشین را دنبال نماید. دشواره این فراز از نوشتار این است که چرا رژیم صهیونیستی بر استمرار اشغال بلندی های جولان اصرار می ورزد و به رغم مخالفت متفق جهانی حاضر به بازپس دهی آن نیست.

کوشش رژیم صهیونیستی در مسیر دستیابی به این منابع از یک سوی و ایجاد تمهیدات امنیتی موثر در تضمین تداوم این دسترسی از سوی دیگر، به ویژه پیرامون مهم ترین منابع حیاتی برای آن، یعنی منابع نفتی و گازی و ذخایر آبی، تمرکز یافته است. همین مسئله بلندی های جولان را برای این رژیم و اجد و ویژگی حیاتی نموده و منجر به آن گردیده است که اسرائیل، به رغم اتفاق آرای نسبی جامعه

جهانی (بدون حضور ایالات متحده در دوران دونالد ترامپ) بر اشغالی بودن و غیرقانونی بودن حضور آن در این منطقه، درک امنیتی خود را از مناسبات حاکم بر منطق بر اساس تداوم اشغال جولان تعریف نماید. از منظری دیگر تثبیت و حفظ تسلط بر بلندی‌های جولان را باید هدف راهبردی دانست که به رژیم صهیونیستی امکان پایش مداوم سوریه را می‌بخشد و هراس همواره آن را از این همسایه می‌کاهد؛ هدفی که با ملاحظات راهبردی پیش گفته در ارتباط با انرژی و نفت تکمیل گردیده است و به بلندی‌های جولان وجهی نه تنها امنیتی در حوزه معادلات نظامی بلکه راهبردی در عرصه امنیت اقتصادی و انرژی نیز بخشیده است. حاصل آن که بلندی‌های جولان در چشم‌انداز ذهنیت اسرائیل امروزه «نقشی حیاتی» یافته است و تداوم اشغال آن، حتی فراتر از زیاده‌خواهی‌های شناخته شده این دولت جهت گسترش سرزمینی خود، با وجوه هستی‌شناسانه و حیثیتی مرتبط با نحوه بودن اسرائیل به مثابه قدرتی با سطح کمابیش تثبیت شده‌ای از تهدید آفرینی و در معرض تهدید بودن در منطقه، پیوند خورده است. بلندی‌های جولان صرفاً یک سرزمین معمولی نیست؛ بلکه دارای منابع زیرزمینی بسیار ارزشمند و راهبردی است که بر کارکرد استراتژیک آن، به مثابه مبنای جذابیت این قلمرو اشغالی، به شدت افزوده است. جولان حاوی منابع بسیار نفت خام استخراج نشده است. دسترسی به نفت خام، هم‌چنان که تحریم‌های اعراب پس از جنگ‌های شش روزه نشان داد، برای این رژیم وجهی به شدت راهبردی و حیاتی دارد و با ساختار عمل و منطق رفتار آن مرتبط است. در واقع دستیابی تضمین یافته به این منبع حیاتی انرژی در چارچوب قلمرو سرزمینی، حتی اگر آن سرزمین طبق همه معاهدات بین‌المللی اشغالی باشد، برای این رژیم هدفی کانونی به شمار می‌آید. هم از این روی بلندی‌های جولان به هدف نخست در آرمان فلسطین به مثابه نخستین و مانا ترین آرمان جنبش‌های اسلامی و جریان مقاومت به مثابه زنده‌ترین شاخه آن تبدیل شده است.

۲-۳. راهبرد جریان مقاومت و بلندی‌های جولان

جریان مقاومت با وجه آرمانی و هدف غایی آن در بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی معنا می‌یابد؛ به عبارت دیگر آرمان مبارزه با اشغال‌گری، که از سرزمین فلسطین گرفته تا بخش‌هایی از سوریه و لبنان را شامل می‌شود، بیانگر درونمایه هویتی این جریان است. بر این اساس هر تلاشی جهت بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی کارکردی پرستیژی برای این جریان دارد و خبر از توانمندی آن می‌دهد؛ با این حال در صحنه عمل و واقعیت بیرونی سرزمین‌های اشغال

گردیده توسط رژیم صهیونیستی دارای ارزش راهبردی یکسانی نیستند و به لحاظ ژئوراهبردی، ژئواکونومیک و ژئوکالچر داری تفاوت های مهمی می باشند. این بدان معنا است که به لحاظ سیاست معطوف به واقعیت^۱ بازپس گیری یک قطعه یا سرزمین اشغال شده از قطعه یا سرزمین اشغال شده دیگر متفاوت است. این فاصله میان علایق آرمانی و حایز وجه پرستیژی با موقعیت های عینی و بیانگر سیاست واقعیت از جمله مهم ترین دشواری هایی است که جریان مقاومت در سیاست رهاسازی سرزمین های اشغال شده توسط اسرائیل با آن مواجه است. از جمله سرزمین های دارای اهمیت فوق راهبردی برای رژیم صهیونیستی، بلندی های جولان است. حفاظت از این منطقه، به فراخور منابع کمابیش انرژی خود در منطقه، به بخشی از مانیفست امنیتی رژیم صهیونیستی بدل شده است. به اقتضای این مساله تلاش برای آزادسازی آن از چنگال اسرائیل نیز، به رغم وضوح قوانین بین المللی در تعلق قطعی و غیرقابل بازگشت این سرزمین به سوریه، با دشواری هایی فراتر از مناطق دیگر مانند کشتزارهای شبعاء در لبنان، که پیش تر از دست اسرائیل رها گردید، است.

در واقع رویکرد مقاومت نسبت به بلندی های جولان را باید در امتداد تعریف دیگر در این جریان و مفهوم پردازی ویژه ای که در ارتباط با اشغال در اندیشه مقاومت وجود دارد مورد تحلیل قرار داد. (Saleh, 2017, p. 114) بلندی های جولان علاوه بر اینکه در گستره اشغال قرار دارد و براساس رویکرد حیثیتی و هویتی در زمره اهداف مقاومت به شمار می رود دارای ویژگی های راهبردی و امنیتی است که به آن امتیازی ویژه بخشیده است. این ویژگی های امنیتی و راهبردی با افزوده شدن امنیت انرژی برجسته تر می گردد. در واقع رژیم صهیونیستی مانوری واضح را در ارتباط با بلندی های جولان آغاز کرده است. این مانور با تشدید بحران سوریه و به قدرت رسیدن ترامپ وضوح بیشتری یافت.

در پی اصرار به ماندن در بلندی های جولان، تشکیل جلسه کابینه دولت رژیم صهیونیستی در تاریخ ۲۶ دسامبر ۲۰۲۱ در این مکان، به رسمیت شناختن اشغال بلندی های جولان از سوی ترامپ، دست یازیدن به اکتشاف و استخراج منابع و دستور بنت برای شهرک سازی در این مناطق انگیزه جریان مقاومت نیز برای آزادسازی جولان بیشتر شد.^۲ بلندی های جولان پس از این رویداد سیاسی، که از

1. real politics

2. United States recognition of the Golan Heights as part of Israel, Donald Trump, March 25, 2019.

سوی ایالات متحده در برابر اراده جهانی اعلام شد، به مثابه نماد مقاومت قد برافراشت. تصمیم سیاسی دولاند ترامپ، مبنی بر به رسمیت شناختن اشغال بلندی‌های جولان، که به جانب‌داری بیشینه از رژیم صهیونیستی در کاخ سفید باز می‌گشت به بلندی‌های جولان و یژگی تازه ای بخشید که آن را به لحاظ زمانی بر سردر خواسته‌های آرمان فلسطین قرار داد. امروزه بلندی‌های جولان علاوه بر پیشینه تاریخی، سیاسی و فرهنگی اش و نیز امتیازهای راهبردی فوق العاده آن واجد وجهی حیثیتی و راهبردی و راهبرد انرژی^۱ گردیده است. امنیت حیثیتی یا هستی شناختی را می‌توان در ارتباط با این موضوع مورد شناسایی قرارداد. (استیل، ۱۳۹۶، ص ۷) بلندی‌های جولان را باید نقطه بهم رسیدن رویکرد آرمان گرایانه و واقع گرایانه در جریان مقاومت دانست که با هدف غایی آزاد سازی سرزمین‌های اشغالی با واقعیت سیاسی موقعیت راهبردی و امنیت انرژی گره می‌خورد. ظرفیت ویژه این منطقه، که گونه ای برتری فراراهبردی به آن بخشیده، منتهی به این گردیده که دهه‌ها تلاش بین المللی در اقناع رژیم صهیونیستی برای خروج از بلندی‌های جولان ناکام بماند. در این میان نقش جریان مقاومت بیش از هر زمان و موقعیت دیگری برای تعیین راهبرد ویژه جهت آزاد سازی بلندی‌های جولان برجسته تر گردیده است؛ راهبردی که باید در بردارنده آرمان آزاد سازی در کنار آگاهی واقع گرایانه از امیازهای ویژه این منطقه ی باشد.

جریان مقاومت با تمرکز بر هدف نمادین بلندی‌های جولان را باید موثرترین جبهه برجسته در برابر ایجاد رابطه میان دولت‌های عربی و رژیم صهیونیستی دانست. مقاومت رساترین صدای ایستادگی در برابر رسمیت یافتن اشغال پس از دهه‌ها است که امروزه از سوی دولت‌های عربی در اتحاد با ایالات متحده دنبال می‌شود. تاثیر این جریان دارای دو وجه ذهنی و کنشی می‌باشد؛ وجه ذهنی زنده نگهداشتن خاطره اشغال و واقعیت غصب سرزمینی با تاکید بر بلندی‌های جولان است که غصب آن در سطح جهانی نیز مورد اتفاق است و به لحاظ کنشی مقاومت رویکرد مبارزه جویانه و پیش‌روانه به سوی بازپس‌گیری سرزمینی را دنبال می‌نماید. در واقع رویکرد مقاومت به بلندی‌های جولان را باید جدی‌ترین تهدید پویا و موثر در گستره جمعیت عربی دانست که می‌کوشد در حالتی زنده و سیال و فعال رویکرد نبرد برای آرمان فلسطین را هم در ذهن و هم در عمل حفظ کند.

وجه عملیاتی‌تری که از رویکرد مقاومت نسبت به جولان برمی‌خیزد پیامدهای استمرار مقاومت و مبارزه و سرانجام بازپس‌گیری جولان است که رژیم صهیونیستی را نه تنها با شکست سرزمینی بلکه

با تهدیدهای بزرگی از جمله تهدید راهبردی و تهدید انرژی روبرو می‌سازد. هم از این روی ما شاهد اصرار این رژیم برای حضور همیشگی در این منطقه هستیم. تهدید انرژی و نفت را باید نقطه آسیب پذیر اسرائیل دانست. این تجربه باتوجه به تحریم نفت در جنگ شش روزه برای این رژیم به مثابه تهدیدی بالقوه احساس می‌شود. با بازگشت به این تجربه است که توجه به بلندی های جولان به عنوان راهبرد نفت و انرژی از سوی رژیم صهیونیستی مدنظر قرار گرفته است. در واقع خروج از بلندی های جولان تنها عقب نشینی سرزمینی نیست بلکه از دست دادن منابع عظیم انرژی است که نقطه ضعف رژیم صهیونیستی به شمار می‌رود. جریان مقاومت با آگاهی از این نقطه ضعف برای دستیابی به آرمان فلسطین هدف نخست خود را آزادسازی بلندی های جولان می‌داند.

۴. یافته‌ها

راهبرد نفتی رژیم صهیونیستی در بلندی های جولان، رسیدن به خودکفایی و تامین انرژی و نیز نیازهای نظامی است. اسرائیل با تجربه پشت سر گذراندن جنگ های عربی با چاشنی تحریم های نفتی، باید چشم اندازی را در نظر بگیرد که در صورت بایکوت گردیدن از سوی کشورهای صادرکننده نفت بتواند به حیات سیاسی و نظامی خود ادامه دهد و این مهم را در منابع بلندی های جولان جستجو می‌کند و راهبرد استقرار همیشگی و بهره برداری از منابع را علیرغم تقابل و تعارض آن با قواعد حقوق بین الملل دنبال می‌نماید.

راهکار و پیشنهاد برآمده از این پژوهش را باید در ارتباط با نحوه اشراف و یا کنترل دست یابی و استخراج نفت بلندی های جولان از سوی رژیم صهیونیستی دنبال نمود. به باور نویسندگان حضور موثر جمهوری اسلامی ایران در خاک سوریه، حمایت از جنبش های بیداری اسلامی، حضور مستشاری و پشتیبانی نظامی و نزدیک بودن به بلندی های جولان از یک سوی و افزایش توان بازدارندگی و دفاعی حکومت سوریه از سوی دیگر عملی ترین پیشنهاد راهبردی است که می‌توان از این پژوهش به دست داد. نکته دیگری که باید بر آن تاکید نمود پیگیری های حقوقی در ارتباط با استخراج از سوی دولت اشغالگر است که براساس کدهای معین حقوقی ممنوع دانسته شده و جرم تلقی می‌شود. چه بسا تمرکز بر راهکارهای حقوقی نوعی اجماع جهانی را نیز به همراه داشته باشد.

۵. نتیجه‌گیری

آرمان فلسطین نقطه بهم پیوستن جنبش‌های اسلامی و نقطه هدف جریان مقاومت است. این آرمان مشترک در فردای بیداری اسلامی با چرخشی که در سیاست‌های ایالات متحده نسبت به رژیم صهیونیستی رخ نمود و روبه‌سوی حمایت‌های بیشینه برد به سمت بلندی‌های جولان متمایل شد. بلندی‌های جولان برای مقاومت اسلامی وجهی هویتی-هستی شناختی یافت و به مثابه نماد مقاومت و مبارزه مطرح شد. این منطقه که اکنون در کنار ویژگی‌های منحصر به فرد راهبردی وجهی نمادین نیز یافته است نیازمند مطالعات و بررسی‌های گسترده تر است. تلاش مقاله توضیح رویکرد جریان مقاومت به حضور اسرائیل در جولان اشغالی در کنار فهم چرایی اصرار این رژیم برای استمرار حضور بود. در واقع بلندی‌های جولان امروزه که دولت‌های عربی به عادی سازی اشغال تمایل نشان می دهند نماد طرد اشغالگری و نبرد با آن و جلوگیری از عادی سازی برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی شناخته می شود. در این میان با در نظر داشتن دو وجه آرمان گرایی آزاد سازی سرزمین‌های اشغالی و تمرکز بر واقعیت‌های سیاسی و امتیازهای فراراهبردی بلندی‌های جولان جریان مقاومت ناگزیر است راهبردی نو را در راستای آزاد سازی با تمرکز ویژه بر بلندی‌های جولان پیش گیرد. همچنان که در نوشتار گفته شد این منطقه با موقعیتی امنیتی دارای ذخایر انرژی است که امنیت انرژی رژیم اشغالگر را تامین می کند واجد وجه هویتی و رقابتی برجسته‌ای گردیده است نکته این جا است که این ویژگی‌ها ذهنیت و کنش یا ایده و واقعیت جریان مقاومت را در ارتباط با آرمان فلسطین ریخت می بخشد.

رژیم صهیونیستی از آغاز اشغال فلسطین در سال ۱۹۴۸ به دنبال اشغال و الحاق سرزمین‌های مجاور با هدف «برتری نظامی و افزایش عمق راهبردی» و همچنین «دستیابی به منابع آب و انرژی» بوده است. اکنون با گذشت ۵۳ سال از اشغال بلندی‌های جولان و منازعه‌های پر شمار سیاسی و نظامی میان اسرائیل و دولت سوریه رژیم به ماندن در بلندی‌های جولان اصرار دارد. این اصرار در کنار رهیافت گسترش سرزمینی به این رژیم درجه اب از برتری راهبردی و امنیتی و نیز برخورداری بالایی از ذخایر نفت و آب را می دهد. در واقع جریان مقاومت، در فضای پس از بحران سوریه که با دولتی بحران زده روبرویم، به مثابه واحدی جهت رویارویی با رژیم صهیونیستی نیاز به بررسی راهبردی نوین و دو وجهی در این منطقه دارد. این راهبرد بیش از هر چیز باید بر ذخایر نفتی بلندی‌های جولان و این واقعیت که انرژی تأثیری مستقیم بر قدرت بازیگری واحدهای سیاسی در نظام بین الملل دارد؛ متمرکز باشد.

شواهدی که نشان از اهمیت یابی روزافزون انرژی در معادلات جهانی دارد بر اهمیت بلندی های جولان می افزاید در این میان حفاری های متعدد اسرائیل در صحرای سینا و بلندی های جولان پس از جنگ شش روزه ۱۹۶۷ بر ادعای فقر این رژیم نسبت به نفت صحنه می گذارد. در وضعیتی که بقای رژیم اشغالگر فلسطین به قوای نظامی آن وابسته است و نفت نیاز پایه ای آن است. این رژیم که دهه ها است تجربه درگیری در عرصه بین الملل را دارد اکنون با آگاهی بیشتری در دو سطح گسترش سرزمینی و امنیت انرژی در بلندی های جولان دست به کنش می زند.

اسرائیل از دهه ۷۰ میلادی با صرف ده ها میلیون دلار تحقیقات میدانی نفتی در بلندی های جولان را آغاز کرد؛ اقدامی که در ژانویه ۱۹۹۰ با حدود دو دهه تاخیر بصورت رسمی اطلاع رسانی شد. مسئول ارشد افک لایه نفتی جولان را ۱۰ برابر بزرگتر از میانگین لایه های نفتی کشف شده در سراسر جهان توصیف کرد و رسانه های ملی اسرائیل از کشفی خارق العاده در این سرزمین خبر دادند. استخراج نفت از بلندی های جولان موضوعی است که تا کنون هیچ گونه اطلاعات رسمی پیرامون آن وجود ندارد. نظر به دو قطب نامه شورای امنیت سازمان ملل متحد و قطعنامه های سالانه مجمع عمومی شاهد حساسیت بین المللی در ابعاد سیاسی و زیست محیطی هستیم.

کتاب‌نامه

۱. إحسان، وميض (۲۰۱۵). قراءة جديدة للتاريخ السياسة الأمريكية و حرب احتلال العراق، مركز الكتاب الأكاديمي.
۲. استیل، برنت ج (۱۳۹۶). امنیت هستی شناختی در روابط بین الملل، ترجمه جلال دهقانی فیروزآبادی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. خدوری، ولید (۲۰۱۸). شركة نفطية إسرائيلية – أمريكية تنقب عن النفط في الجولان المحتل، صحيفة الحياة.
۴. رجبی محمد (۱۴۰۰). «راهبردهای نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی در رویارویی با مقاومت اسلامی (مورد مطالعه: بحران سوریه)»، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۳، آذر ۱۴۰۰، ۷۵-۹۹.
۵. عبداللهی، اسماعیل و زیبایی، مهدی (۱۳۸۱). برآورد راهبردك اسرائيل، ابرار معاصر.
۶. نوروزی، مجتبی، مرندی، زهره (۱۳۹۸). تحول درگفتمان قدرت محور مقاومت از تثبیت به توسعه قدرت با تاکید بر زنجیره هم ارزی هویت قبل و بعد از شهادت سردار سلیمانی، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال هشتم، شماره شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ۶۱-۸۳.
7. Associated Press (1967). Lightning Out of Israel: The Six-day War in the Middle East, Israel-Arab War, Associated Press.
8. Cavari Amnon (2022), Trump and Israel: Exploiting a Partisan Divide for Political Gains, Israel Studies, Vol. 27, No. 1 (Spring 2022), pp. 156-181 (26 pages), Indiana University Press.
9. Crone Billy (2019), The Final Countdown Tribulation Rising Vol.1, Get A Life Ministries.
10. Engdahl F. William William (2017). Golan Heights, Israel, Oil and Trump, <http://journal-neo.org>, 30-Mar-2017.
11. Josepha Ivanka Wessels (2015). Down to the River: Identity, Citizenship, Security, Borders and Water in the Occupied Golan Heights, Mid-

- dle East Critique, 24:3, 269–287.
12. Kretzmer David (2012), International review of the red crises, Volume 94 Number 885 Spring 2012.
 13. Lin Christina(2015), Israel’s Oil in Golan, Megiddo–Jezreel Valley, ISPSW Strategy Series: Focus on Defense and International Security, Issue No. 391 Nov 2015, Institute für Strategie– Politik– Sicherheits– und Wirtschaftsberatung ISPSW Giesebrechtstr, Germany, 1–4.
 14. Radelet Steven (2016). The Great Surge: The Ascent of the Developing World, Simon and Schuster.
 15. Ram, Mori (1986). Creating a Peaceful Place of War: Revisiting the Golan Heights Border Region, Eurasia Border Review, Slavic Research Center, Hokkaido University, vol 41, 77–93.
 16. Reinhart Tanya (2002). Israel/Palestine: How to End the War of 1948, Seven Stories Press; First Edition, Seven Stories Press.
 17. Saleh Mohsen M (2017).The Islamic Resistance Movement (Hammas): Studies of Thoughts & Experience, Al–Zaytouna Centre for Studies and Consultations.
 18. Smith Dan (2014), the State of the Middle East: An Atlas of Conflict and Resolution, Routledge.
 19. Soffer, Arnon & Minghi, Julian V. (1986). Israel’s Security Landscapes: the Impact of Military Considerations on land Uses, the Professional Geographer, Association of American Geographers, Volume 38, 1986, Issue 1, 28–41.
 20. United Nations, General Assembly, Documents, Resolutions, Regular Sessions (74th - 2019), United Nations.
 21. United Nations, Security Council, Documents, Resolutions, S/RES/242

(1967), United Nations.

22. United Nations, Security Council, Documents, Resolutions, S/RES/497 (1981), United Nations.

23. United Nations, Yearbook of the United Nations (2014), United Nations.

24. Weizman Ezer (1988), Israel: Images & Ideas, Viewfinder Publications.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی